

ترس از بیگانگان در ذهن و ضمیر رجال پهلوی

۲۰ آبان ۱۴۰۳ ساعت ۱۴:۳۹

متأسفانه عدم خودباوری و اعتقاد به فعال مایشاء بودن بیگانگان، نهایتاً منجر به پرورش رجالی گردید که خود را فاقد اراده در برابر بیگانگان می دانستند.

این سند نشان می دهد که ترس از بیگانگان چنان در ذهن و ضمیر رجال عصر پهلوی رسوخ کرده بود که قادر به ارائه هیچگونه راهکار مستقلی برای اوضاع کشور نبودند و همه ی تحولات کشور را منوط به اراده ی بیگانگان می دانستند. متأسفانه عدم خودباوری و اعتقاد به فعال مایشاء بودن بیگانگان، نهایتاً منجر به پرورش رجالی گردید که خود را فاقد اراده در برابر بیگانگان می دانستند. در بخشی از این سند به نقل از «احمد آرامش» آمده است: «ما [ایرانیان] همیشه در قید انگلیسی ها بوده و خواهیم بود ولی باز هم خدا پدر آنها را بیامرزد چون آمریکایی ها هم نفت، هم سرمایه، هم نیروی انسانی و هم تولید کشاورزی ما را از بین برده و می برند.» این اظهارات ادامه تلاش جناح انگلیسی برای مقابله با تسلط جریان طرفدار آمریکا می باشد.

موضوع: آقای احمد آرامش

آقای احمد آرامش در یک جلسه خصوصی اظهاراتی بشرح زیر نموده است:
درباره آقای مهندس شریفامامی گفت ما با اینکه قوم و خویش هستیم ولی
در مشی سیاسی در یک جهت نبوده مخصوصاً از موقعی که سناتور شده و
باصطلاح سوار کار گردیده است دیگر حتی ملاقات هم با یکدیگر ننموده‌ایم.



سپس نامبرده در مورد
اوضاع عمومی اظهارنظر
کرده گفت ما همیشه در قید
انگلیسی‌ها بوده و خواهیم
بود ولی باز هم خدا پدر آنها
را بیامزد چون امریکاییها
هم نفت هم سرمایه هم
نیروی انسانی و هم تولید
کشاورزی ما را از بین برده و
می‌برند فقط چون کشور ما
نفت دارد معتقدند عده‌ای
مثل سایر کشورهای مشابه
حقوق‌بگیر باشند و پس
برای آنان هیچ مانعی هم
نیست که ما گوشت - تخم
مرغ - گندم - لباس حتی

سبزی و پیازچه مورد احتیاج خود را هم از خارج وارد کنیم. نامبرده اضافه نمود
دعوی انتخابات تمام شده و امریکاییها خیال کرده‌اند که آن را برده‌اند در ظاهر
هم چنین وانمود شده است ولی سیاست انگلستان که همیشه بالای سر ما سایه
افکنده غیر از این باتیبات رسانیده است. امریکاییها از این آمدن‌ها و رفتن‌های
اخیر مخصوصاً زرنال دوگل که آن همه احترام و تشریفات نسبت به وی بجا آمد
بسیار ناراضی بودند انگلیسی‌ها دارند ما را پطرف اروپا می‌کشاندند و معتقدند اگر
قرار باشد وامی به ما داده شود از جانب اروپایی بایستی باشد تا این کیفیت کم‌کم

ملل اروپایی جای امریکایی‌ها را در این سرزمین بگیرند و خلاصه نقشه انگلستان این است که امریکاییها حداکثر تا سال ۱۹۶۵ از این سرزمین خارج شوند.

در مورد سازمان برنامه معتقد بود سازمان پول حرام کن است ثروت کشور به طور افراط و تفریط در آن از بین می‌رود و به عبارت دیگر منافع نفت ما برگشت می‌شود به همان کشورهای خریدار نفت. در مورد بیکاری آرامش گفت این موضوع یک امر وحشتناکی شده که امروزه داننگیر همه ملل بزرگ می‌باشد و بطور کلی از آن ترس دارند.



کارگر امریکایی بایستی کار داشته باشد تا صدایش در نیاید و بنا به سیاست آنها ما بایستی محتاج به آنها باشیم تا در نتیجه دستگاه اقتصادی آنها کماکان در گردش باشد و شاید به ما روزی برسد البته در مقابل انگلیس مایل نیست که امریکا این همه اعمال قدرت در کشورهای کوچک داشته باشد ولی چون اغلب ریش خودش گیر است نمی‌تواند زیاد در این موضوع سماجت کند. نامبرده پیش

از صحبت‌های خود نتیجه گرفت که افرادی از قبیل دکتر اقبال، اصفیا و علم نمی‌توانند از خودشان اراده داشته باشند بلکه مهره شطرنجی بوده که مغز متفکر و کارگران دیگری در پس پرده آنها را پس و پیش می‌کند. آرامش اضافه کرد می‌خواهند با گر و گذار دن نفت توجه اروپاییها را به سوی ما جلب نمایند تا با این طریق بازار معامله را با ما افتتاح کنند. انگلستان هم که خودش خریدار بعضی کالا بوده در این میان برای مارل دلال را بازی کرده یا توجه به اینکه از هر دلال دیگر بیشتر سود می‌برد علی‌الظاهر خدمتگزار ما شده است با این انگیزه می‌بینیم

که مهرها یکی پس از دیگری تعویض می‌شوند یعنی انتظام می‌رود غلام جان‌نثار می‌آید. علاء می‌رود قدس نخعی می‌آید و به دنبال آن باند انگلیس همه جا را مسخر می‌کند با این عمل شاه را محصور کرده و مرتباً همه را به بازی می‌دهد و در نتیجه بازی کن خوبی هم شده ولی باشد روزی که مجبور به مات شدن بشود. می‌گویند شاه گفته است اغلب و کلاہ رانمی‌شناسم در صورتی که من معتقدم این طرز انتخابات تراوش فکر خود شاه بوده پس چگونه ممکن است شاه و کلاہ را شناخته باشد. شاه در این انتخابات انجام دهنده بوده نه مغز متفکر. خدا آخر و عاقبت مملکت را بخیر گرداند.

آرامش معتقد بود در دستگاه‌های بزرگ دولتی تغییرات اساسی دیگری هم رخ خواهد داد اگر ما از اول با روس‌ها بدون واسطه کنار آمده بودیم بطور قطع و یقین امروز بهتر از هر کشور دیگری می‌توانستیم از وام‌های بلاعوض آمریکا استفاده کنیم و این همه منت نکشیم. علاء یا اقبال یا قدس یا منصور و غیره خود شاه هم ممکن است ندانند که وسیله و آلت خیانت به این کشور می‌باشند باید بدلتیم امریکاییها از تشبیه هدایت را محاکمه می‌کنند نه دستگاه خسروانی. بدیهی است پس فردا هم نوبت دیگران فرامی‌رسد. کشتن طیب و غیره بایستی انجام پذیرد تا اسراری در زیر خاک باقی بماند.

درباره تشکیل جلسات گروه ترفیخواه مذاکره شد گفت حالا که حکومت نظامی برجیده شد سعی می‌کنیم دوستان را جمع نموده و با وضع و طرز بهتری بشرط آنکه خود دوستان هم همتی از خود نشان دهند برنامه‌ها و طرح‌های خود را بررسی و دنبال نماییم. اعتماد از همه سلب شده و موقعی دوستان بی‌دلیل دور هم جمع می‌شوند و زمانی هم بی‌جهت متفرق و پراکنده می‌گردند. من بخودم اعتماد دارم و مطمئنم در دادن طرح و برنامه هیچ‌گاه اشتباه نمی‌کنم و بی‌وسه هم همه جور فعالیت کرده و خواهم کرد نیابستی نشست تا خدا روزی دهد و تقدیر سرنوشت ما را تعیین نماید بلکه بایستی جنبید و پیش رفت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۹۸۹۰/تربس-بیگانگان-ترس/>